

Simin Behbahani's Gift for Persian Prosody:

The Rule of Simineh in Persian Meters

Aliasghar Ghahramani Mogbel*

Abstract

After organizing prosodic feet and presenting so-called Najafi's circle, Abolhasan Najafi managed to classify most of the Persian poetic meters, provide a criterion for their pleasantness or unpleasantness, and divide them into *muttafiq al-arkan* (i.e., each consisting of a repeated foot) and *mutanawib al-arkan* (i.e., each consisting of two types of feet alternately repeated) meters. Nevertheless he found some meters adopted by Persian poets since Rudaki which could not be placed in either group of meters, but, towards the end of his life, he found a way of including these meters in his classification. According to the rule he called "tafarro'-e vazni" or "metrical branching", all meters of both groups which started with a foot of $\cup - \cup$, the foot could be changed into $\cup --$, bringing about a new and distinct meter. Re-explicating this rule in this paper by introducing some of Simin Behbahani's poems versified in this meter, we rename the rule into "qa'ede-ye Simineh" ("Siminegi") or "Simin's rule." There are three reasons for calling the rule in this way. The first is that no one has taken advantage of this rule as much as Simin, and the second one is that the scansion of the word "Simineh" reveals exactly the same foot appears in the new meter ($\cup --$). Finally, it is possible that Najafi was partly led to this rule by investigating part of Simin's poetry written in this meter.

Keywords: Persian Prosody, Table of Persian Meters, Rule of Metrical Branching, Simin Behbahani, Rule of Simineh.

* Associate professor of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, a_ghahramani@sbu.ac.ir

Date received: 02/02/2021, Date of acceptance: 11/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

سوغات سیمین بهبهانی به عروض فارسی:

قاعده سیمینه (سیمینگی) در اوزان فارسی

علی اصغر قهرمانی مقبل*

تقدیم به: دکتر امید طیب زاده

چکیده

ابوالحسن نجفی، پس از سامان دادن رکن‌های عروضی و ارائه دایره موسوم به دایره نجفی، توانست اغلب وزن‌های شعر فارسی را در ضمن طبقه‌بندی وزن‌ها جای دهد و نیز معیاری برای مطبوع و نامطبوع بودن اوزان ارائه کند و آن‌ها را در ضمن دو دسته متفق‌الارکان (براساس تکرار یک رکن) و متناوب‌الارکان (تناوب دو رکن براساس دایره) بگنجاند. باین حال، اشعاری را با اوزان دیگر در دست داشت که شاعران پارسی‌گو از زمان رودکی به آن‌ها اقبال نشان داده بودند، ولی در ضمن دو دسته فوق قرار نمی‌گرفتند، تا این‌که در اواخر عمر خود قاعده‌ای را یافت که با آن جایگاه این وزن‌ها در طبقه‌بندی مشخص می‌شد. این قاعده، که نجفی آن را «تفرع وزنی» نامید، عبارت بود از این‌که در تمامی وزن‌های متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان، که رکن اول آن‌ها با ترتیب هجایی «- -» آغاز می‌شود، می‌تواند به «- -» تبدیل شود و این ویژگی وزنی با هویت جدید و مستقل را پدید می‌آورد. ما در این مقاله، ضمن تبیین مجدد این قاعده، با معرفی اشعاری که سیمین بهبهانی براساس آن ابداع کرده و به کار برده است، این قاعده را به جای تفرع وزنی، «قاعده سیمینه» (سیمینگی) نام‌گذاری کردیم، زیرا از یک سو هیچ شاعری به‌اندازه سیمین از این ظرفیت در شعر فارسی بهره نگرفته است و از سوی دیگر تقطیع هجایی «سیمینه» (- -) (و

* دانشیارگروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، a_ghahramani@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

یادآور ترتیب هجایی موردنظر است. هم‌چنین، به‌نظر می‌رسد تأمل در اوزان این نوع از اشعار سیمین در کشف این قاعده از سوی نجفی بی‌تأثیر نبوده است.

کلیدواژه‌ها: عروض فارسی، جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، قاعده تفرع وزنی، سیمین بهبهانی، قاعده سیمینه، سیمینگی.

۱. مقدمه

اگر از خانواده وزن‌های ایقاعی بگذریم، که تنها متشکل از هجاهای بلند است، اساس وزن شعر فارسی کمی و مبتنی بر ترتیب هجایی متشکل از هجاهای کوتاه و بلند است. هجاهای تشکیل‌دهنده یک مصراع، به دلیل طولانی بودن آن، به‌ناچار باید درون مصراع دسته‌بندی شوند که این دسته‌بندی ضرورت استخراج رکن‌های عروضی را فراهم می‌آورد. ابوالحسن نجفی درباره رکن‌های عروضی و نحوه به‌دست آوردن آن‌ها به تفصیل سخن گفته است. در تمامی رکن‌های عروضی اصلی، هجای کوتاه و بلند حضور دارد، به طوری که هر رکن آرایشی از ترتیب هجای کوتاه و بلند است و تعداد و ترتیب هجاهای کوتاه و بلند یک رکن را از رکن دیگر متمایز می‌کند.

خانواده‌های وزنی و در نتیجه وزن‌های مطبوع شعر فارسی براساس دو قاعده مهم به‌وجود می‌آیند و به تعبیر دقیق‌تر، قابل رکن‌بندی هستند: نخست تکرار یک رکن و دوم تناوب دو رکن، البته برپایه دایره‌ای به نام دایره نجفی. این سخن بدان معنا نیست که دیگر وزن مطبوعی یافت نمی‌شود که خارج از دو قاعده فوق باشد. جالب آن‌که نجفی در اواخر عمر خود، با توجه به شواهد شعری که در دست داشت، متوجه شد که اغلب این وزن‌های خارج از دو قاعده بالا، که در دست داشت، مشخصه یکسانی دارند و هم‌چنین با یکی از دو گروه متفق‌الارکان یا متناوب‌الارکان به‌نوعی مرتبط‌اند، به طوری که توانست این وزن‌ها را به‌عنوان یک وزن فرعی با ذکر تبصره در ضمن اوزان یک خانواده وزنی بگنجانند.

نجفی متوجه شد که در تمامی وزن‌های متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان، که رکن اول آن‌ها با ترتیب هجایی «- -» آغاز می‌شود، می‌تواند به «- -» تبدیل شود. اگرچه این امر قاعده تکرار یا تناوب را نقض می‌کند، اوزان به‌دست آمده از وزن‌های مطبوع به‌شمار می‌آیند (نجفی ۱۳۹۴: ۱۷۳). این همان قاعده‌ای است که او آن را «نوعی تفرع وزن (یعنی - - - به جای - - - در آغاز مصراع)» نامید (نجفی ۱۳۹۷: ۲۱۵).

واقعیت آن است که این نوع از وزن‌ها، با وجود ارتباطی که با یکی از خانواده‌های مکرر یا متناوب دارند، دارای هویتی مستقل‌اند، وزن مستقل به‌شمار می‌آیند، و می‌توان گفت که به خانواده وزنی مستقلی نیز تعلق دارند. پیش از پرداختن به ویژگی این وزن‌ها، به آن نیازمندیم که چند موضوع مرتبط به ویژگی یک مصراع را به‌عنوان مقدمه بازگو کنیم.

۲. ویژگی پایان مصراع (واحد وزنی) در شعر فارسی

در شعر عربی «بیت» و در فارسی «مصراع» را واحد وزن دانسته‌اند. ضمن تأیید این مطلب، باید توجه شود که گاهی واحد وزن در برخی اوزان از مصراع نیز کوچک‌تر می‌شود و یک مصراع گاهی به دو پاره و حتی گاهی به چهار پاره تقسیم می‌شود، به طوری که این پاره‌های کوچک ویژگی‌های ابتدا و انتهای یک مصراع را دارند. برای تصور دقیق از این موضوع، می‌توان چنین بیان کرد که همان‌طور که گذشتگان واژه مصراع (لنگه در) را برای این مفهوم برگزیده‌اند که برای ورود به بیت (خانه) بوده است، گاهی هر لنگه در خود شامل دو نیم‌لنگه است که درعین پیوستگی به هم مستقل از یکدیگر نیز محسوب می‌شوند.

برای ویژگی انتهای مصراع (واحد وزن)، مهم‌ترین ویژگی در شعر فارسی این است که جایگاه هجای پایانی مصراع خشی است و شاعر به اختیار خود می‌تواند آن را کوتاه، بلند، و کشیده بیاورد که معادل یک هجای بلند محسوب می‌شود. واقعیت آن است که این ویژگی منحصر به مصراع کامل نیست، بلکه بر انتهای هر واحد وزنی قابل‌تعمیم است و شاخص‌ترین ویژگی برای تعیین مرز میان واحدهای وزنی یک بیت است. برای مثال به جدول ۱ بنگرید.

جدول ۱. واحد وزنی در مصراع

تعداد واحد وزنی در یک مصراع	واحد وزنی	مصراع
۱	مصراع کامل	مفتعلن مفتعلن مفتعلن
۲	نیم‌مصراع	مفتعلن مفتعلن فع مفتعلن فع
۳	ثلث مصراع	مفتعلاتن مفتعلاتن ^۱ مفتعلاتن ^۱
۴	ربع مصراع	مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن

۳. ویژگی‌های ابتدای مصراع (واحد وزنی) در شعر فارسی

همان‌طور که انتهای مصراع (واحد وزنی) یک ویژگی منحصر به فرد دارد، ابتدای مصراع (واحد وزنی) نیز در برخی از وزن‌ها مشخصاتی دارد. به مناسبت موضوع، ویژگی نخست را به اختصار توضیح می‌دهیم و ویژگی دوم را، که محور اصلی این مقاله است، به تفصیل بیان می‌کنیم.

۱.۳ اختیار ابدال (فاعلاتن به جای فعلاتن)

در وزن‌هایی که با ترتیب هجایی (UU – U) آغاز می‌شوند، شاعر به جای هجای کوتاه نخست می‌تواند بلند بیاورد و به تعبیر آسان‌تر به جای فعلاتن از فاعلاتن استفاده کند. نکته در این جا حائز اهمیت است. نکته اول این‌که این ویژگی از اختیارات شاعری محسوب می‌شود. نکته دوم این‌که این ویژگی منحصر به مصراع نیست و ابتدای هر واحد وزنی را شامل می‌شود و این موضوع در یافتن جایگاه این وزن‌ها در ضمن طبقه‌بندی وزنی اهمیت پیدا می‌کند. برای مثال در شعر زیر:

ای رخت شمع بت پرستان شمع بیرون بر از شبستان

بر لب جوی و طرف بستان دادِ مستان ز باده بستان

فاعلاتن مفاعلن فع // فاعلاتن مفاعلن فع

(خواجوی کرمانی، به نقل از نجفی ۱۳۹۷: ۲۷۷)

این بیت بر یکی از وزن‌های دوری سروده شده است. در این بیت، نه تنها در ابتدای مصراع فاعلاتن جای فعلاتن نشسته است، بلکه در ابتدای نیم مصراع نیز همین اختیار وارد شده است، زیرا هر نیم مصراع در این وزن، مانند دیگر وزن‌های دوری، یک واحد وزنی مستقل محسوب می‌شود و ویژگی ابتدای مصراع را دارد. بنابراین، وزن اصلی این شعر چنین است: فعلاتن مفاعلن فع // فعلاتن مفاعلن فع

۲.۳ ترتیب هجایی « – U » به جای « U – U » (قاعده سیمینه یا سیمینگی)

از مهم‌ترین ویژگی‌های ابتدای مصراع و به تعبیر دقیق‌تر ابتدای واحد وزنی، که پیش از نجفی، نه در عروض قدیم و نه در عروض جدید، کسی متوجه آن نشده است، آن است که

هر خانواده وزنی که با ترتیب هجایی کوتاه+ بلند+ کوتاه (U-U) آغاز می‌شود، به‌طور نظری قابلیت آن را دارد که هجای کوتاه آغازی به هجای بلند (- - U) تبدیل شود و خانواده وزنی جدیدی را تشکیل دهد. نکته بسیار مهم آن است که این ویژگی، برخلاف ویژگی قبلی، یعنی تبدیل فعلاتن به فاعلاتن، از اختیارات شاعری نیست، بلکه تغییری ثابت است و هویت جدید و مستقلی به وزن می‌دهد و همان‌طور که گفته شد، خانواده وزنی جدیدی شکل می‌گیرد.

نکته مهم دیگر این که با ورود این تغییر، قاعده تکرار یک رکن یا تناوب دو رکن خدشه‌دار می‌شود، زیرا رکن نخست اول مصراع (واحد وزنی) متفاوت با دیگر ارکان وزن می‌شود و به‌نوعی با خانواده وزنی مختلف‌الارکان مواجه می‌شویم، ولی هم‌چنان وزن‌های مستخرج از این خانواده‌ها را می‌توان مطبوع به‌شمار آورد.

نجفی، در بخش ضمائم کتاب طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، این یافته خود را با عنوان «قاعده تفرع وزنی» این‌گونه توضیح می‌دهد:

دیدیم که کل اشعار ادبیات فارسی در دو گروه وزنی متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان می‌گنجند. آنچه در این دو گروه بگنجد، حتی وزن‌هایی که هنوز ساخته نشده، موزون است و آنچه در این دو گروه نگنجد ناموزون. بدین ترتیب، تعریفی از شعر مطبوع و نامطبوع به‌دست می‌آید: مطبوع وزنی است که در این مجموعه بگنجد و نامطبوع وزنی است که در این مجموعه نگنجد. تنها یک استثنا بر این قاعده می‌توان برشمرد و آن این‌که در مورد وزنی که با «U - U» شروع می‌شود، می‌توان به‌جای هجای کوتاه آغازی، یک هجای بلند قرار داد و به وزنی رسید که موزون و مطبوع است، بی‌آن‌که لزوماً در یکی از دو گروه فوق قرار بگیرد و نیز بی‌آن‌که با وزن اولی هم‌وزن باشد (یعنی نشستن «- - U» به‌جای «U - U» از زمره اختیارات شاعری نیست) (نجفی ۱۳۹۷: ۴۲۴).

این یافته نجفی مربوط به سال‌های پایانی عمر اوست که با توجه به در دست داشتن شواهد متعدد شعری، متوجه نسبت این گروه از وزن‌ها با وزن‌های متفق‌الارکان و وزن‌های مستخرج از دایره شد و به‌اختصار به توضیح آن پرداخت. از سوی دیگر، می‌دانیم که نجفی از نام و نام‌گذاری در عروض به‌شدت پرهیز داشت. با این حال، به‌اکراه از این یافته خود با عنوان قاعده «تفرع وزنی» یاد کرد، اما حقیقت آن است که نام «تفرع وزنی» نام روشن و گویایی برای اطلاق به این قاعده نیست؛ به‌ویژه این‌که این

وزن‌ها هویت مستقل دارند و فرع وزن‌های دیگر نیستند. به‌طوری‌که نجفی در کتاب طبقه‌بندی وزن فرعی را به اوزان دیگری مانند طولانی‌شدن وزن از وزن معیار نیز اطلاق کرده است، اما آنچه او با عنوان تفرع وزنی ذکر کرده، به‌عنوان تبصره در ذیل وزن مرتبط با آن در ضمن متفوق‌الارکان یا متناوب‌الارکان آورده است. به دلایلی که خواهیم آورد، در این نوشته به‌جای تفرع وزنی اصطلاح «قاعده سیمینه» یا «سیمینگی» را پیش‌نهاد می‌دهیم.

شایان ذکر است که توضیح این قاعده به‌صورت «تبدیل فعول^۱ به مفعول^۲» تعبیر کاملی نیست (طیب‌زاده ۱۳۹۷: ۲۷)، زیرا چنان‌که خواهد آمد، در رکن نخست این وزن‌ها علاوه‌بر صورت مذکور تغییرات زیر را نیز شاهدیم که واقعیت شعری بر وجود و کاربرد آن‌ها صحه می‌گذارد:

مفاعِلن ← مستفعلن (U - U - - ← - U - -)
 مفاعِلاتن ← مستفعلاتن (U - U - - ← - - U - -)
 مفاعِلتن ← مستفعلتن (U - U - U - - ← - - UU - -)
 مفاعل^۳ ← مستفعل^۴ (UU - - ← UU - U)

۴. قاعده سیمینه یا سیمینگی در اشعار قدیم

در شعر قدیم چند وزن محدود به‌کار رفته است که با این قاعده قابل‌توصیف و طبقه‌بندی است. هرچند توقع نداریم که عروض سنتی قادر به تشخیص و توصیف این ویژگی بوده باشد، با این حال شاعران پیشین توانسته‌اند در چند وزن از این ظرفیت و قابلیت وزن شعر فارسی بهره بگیرند. در شعر قدیم، تنها سه وزن یافتیم که در ضمن این قاعده می‌گنجد که دو وزن از سه وزن در ضمن یک بحرند:

۱. - - U - U - - UU - -

تقطیع سنتی: مفعول^۱ مفاعیل^۲ فاعلاتن.

تقطیع عروض جدید: مستفعل^۳ مستفعلن^۴ فعولن (= مستفعل^۵ مستفعلن^۶ مفاعل^۷).

فرزاد این وزن را به‌صورت «لاتن فعلاتن مفاعلاتن» تقطیع کرده و آن را «یکی از محبوب‌ترین اوزان به‌اصطلاح نامطبوع در زبان فارسی» به‌شمار آورده است، زیرا او

علاوه بر کاربرد آن در دیوان رودکی، در نزد شاعران دیگر مانند ناصر خسرو، مسعود، ابوالفرج رونی، مختاری، سنایی، قطران، سوزنی، و انوری یافته است (فرزاد ۱۳۴۹: ۶۴۰)، ولی نجفی سالیان سال قادر به یافتن جایگاه آن در نظام طبقه بندی خود نبود. از سوی دیگر، به دلیل نسبت استعمال این وزن، نمی توانست آن را نادیده بگیرد یا به راحتی مهر نامطبوع بودن بر پیشانی آن ها بزند، زیرا او نیز مانند فرزاد، برای این وزن و وزن هم خانواده با آن، شواهد شعری متنوعی از رودکی، شهید بلخی، مُنجیک، فرخی، ناصر خسرو، مسعود سعد، انوری، پروین، و اخوان ثالث داشت (بنگرید به نجفی ۱۳۹۷: ۳۴۷-۳۴۹). نگارنده سطور نیز پیش از این، یعنی زمانی که نجفی هنوز این قاعده را نیافته بود، این وزن را در ضمن وزن های مختلف الارکان (xyz) قرار داده بود، زیرا در عروض آن زمان هیچ راهی برای توجیه و قاعده مند کردن مطبوع بودن آن (براساس متفق الارکان یا متناوب الارکان) وجود نداشت (قهرمانی مقبل ۱۳۸۹: ۷۰-۷۱).

با توجه به قاعده سیمینه، مشکل یافتن جایگاه این وزن در طبقه بندی به سهولت امکان پذیر است. در دایره نجفی خانواده وزنی «مفاعلٌ مستفعِلن» (۱۰. ۷. ۰) آمده که با ترتیب هجایی «U - U» آغاز شده است. وزن «مفاعلٌ مستفعِلن مفاعلٌ» (U - UU - U - U - -) از این خانواده قابل استخراج است. حال اگر براساس قاعده سیمینه، به جای هجای کوتاه آغازین، هجای بلند بیاید، وزن جدیدی شکل می گیرد (- - UU - U - U - - = مستفعِلٌ مستفعِلن مفاعلٌ) که می توان آن را سیمینه وزن مذکور به شمار آورد و جایگاه آن را در دستگاه طبقه بندی مشخص کرد:

۱۰. ۷. ۱۱. مفاعلٌ مستفعِلن مفاعلٌ.

* ۱۰. ۷. ۱۱. مستفعِلٌ مستفعِلن مفاعلٌ.

۲. - - UU - U - U - -

تقطیع سستی: مفعولٌ مفاعلٌ فاعِلن.

تقطیع عروض جدید: مستفعِلٌ مستفعِلن فعل.

این وزن با یک هجا کم تر از وزن قبلی در همان بحر قرار می گیرد و مسائل وزن قبلی به این وزن نیز قابل تعمیم است.

جالب آن که حتی عروض سستی هم با وجود این که دست خود را برای تراشیدن زحافات متعدد و متفاوت با زحافات عربی باز گذاشته بود، نتوانسته است این دو وزن

نخست را در ضمن بحرهای به رسمیت شناخته خود قرار دهد و برای آن بحری جدید و خاص شعر فارسی از دایره مشتبه عربی استخراج کرده و قریب نام نهاده است با وزن معیار «مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن». سپس این دو وزن را به بحر قریب پیوند داده است:

قریب اخرب مکفوف سالم العروض: مفعولُ مفاعیلُ فاعِلاتن.

قریب اخرب مکفوف محذوف: مفعولُ مفاعیلُ فاعِلن

(شمس قیس ۱۳۶۰: ۱۶۶-۱۶۹؛ خواجه نصیر ۱۳۹۳: ۸۵)^۲

شمس قیس، برای هر دو وزن، شاهد مثال‌های مفصل و متعددی آورده است که نشان از اهمیت و کاربرد قابل‌اعتنای آن دو در نزد شاعران پیش از او دارد.

۳. - UU - U - - - UU- U - - -

مستفعلن فعِلن مستفعلن فعِلن

درباره این وزن و نحوه ورود آن به عروض فارسی به تفصیل سخن خواهیم گفت. در این جا به همین اکتفا می‌شود که این وزن را نخستین بار امیر معزی (د ۵۲۱) به پیروی از متنی (د ۳۵۴) ساخته و از همان زمان برای فارسی‌زبانان بسیار دل‌نشین و مطبوع بوده است، حتی مأنوس و دل‌نشین‌تر از دو وزن قبلی که شاعران از زمان رودکی به آن اقبال نشان داده بودند، اما در دستگاه طبقه‌بندی نجفی جا نمی‌گرفت و به دلیل پیروی معزی از متنی در خلق این وزن، نجفی به دنبال راه‌حلی در عروض عربی می‌گشت که البته عروض عربی در این باره قادر به ارائه کمک نبود.

۵. بررسی نظری سیمینگی در جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی

پیش از این در مقاله مستقلی جدول طبقه‌بندی وزن‌ها را طراحی و ارائه کرده بودیم که در آن تمامی خانواده‌های وزنی متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان (براساس دایره نجفی) قابل استخراج بود. هم‌چنین، در این جدول جایگاه خانواده‌های وزنی براساس قاعده سیمینه (سیمینگی) نیز با علامت ستاره (*) تعیین شده بود. البته در آن مقاله، ما به پیروی از نجفی همان اصطلاح «تفرع وزنی» را برای این ویژگی آورده‌ایم و در این نوشته نخستین بار است که اصطلاح قاعده سیمینه یا سیمینگی آورده می‌شود. برای سهولت مراجعه در این جا جدول طبقه‌بندی (جدول ۲) ذکر می‌شود.^۳

۲. جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی

رشته وزنی	هجای آغازین خانواده وزنی							
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
	و	-	-	...				
	و	و*	-	...				
	و	-	-	-	...			
	و	و	-	-	...			
	و*	-	و	-	...			
	و	-	-	-	...			
	و*	-	و	-	...			
	و	و*	-	و*	...			
	و	و*	-	و*	...			

علامت «و*» نشان‌دهنده امکان ظهور سیمینه یک خانواده وزنی در هریک از رشته‌های وزنی است. همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، به‌طور نظری، نه خانواده سیمینه‌شده قابل استخراج، پنج خانواده از رشته‌های وزنی متفوق‌الارکان، و چهار خانواده از دایره نجفی (رشته‌های ۱۰ و ۱۱) است. نکته قابل توجه این‌که این علامت ستاره تنها و تنها در ابتدای خانواده وزنی و هجای نخست آن ظاهر می‌شود و نباید آن را در غیر این موضع معتبر دانست، زیرا همان‌طور که پیش‌ازین آورده شد، این ویژگی خاص ابتدای مصراع (واحد وزنی) است. به این معنی که تنها با تبدیل هجای کوتاه به بلند در نخستین هجای مصراع (و نیم‌مصراع در وزن‌های دوری) از این نه خانواده سیمینه خانواده وزنی به‌دست می‌آید و نباید تغییر هجای کوتاه به بلند را جز در نخستین هجای مصراع (یا نیم‌مصراع در وزن‌های دوری) منظور داشت.

بنابراین، به‌طور نظری براساس سیمینگی، نه خانواده وزنی به مجموع ۵۲ خانواده وزنی متفوق‌الارکان و متناوب‌الارکان افزوده می‌شود. البته رکن سه‌هجایی این قاعده اساساً کاربردی ندارد و این قاعده در خانواده‌های وزنی متشکل از تکرار رکن‌های چهارهجایی و پنج‌هجایی ملاحظه می‌شود. هم‌چنین، فراموش نشود که در واقعیت شعر، تنها تعداد معدودی از خانواده‌های وزنی با استقبال نسبی شاعران مواجه شده است. وزن معیار این خانواده‌های وزنی سیمینه‌شده به‌طور نظری به‌شرح زیر است:

- * مفعولُ فِعولُ فِعولُ فِعولُ (* ۲. ۲)؛
- * مستفعلنُ مفاعِلنُ مفاعِلنُ مفاعِلنُ (* ۵. ۱)؛
- * مستفعلاتِنُ مفاعلاتِنُ مفاعلاتِنُ مفاعلاتِنُ (* ۸. ۱)؛
- * مستفعلاتُ مفاعلاتُ مفاعلاتُ مفاعلاتُ (* ۹. ۲)؛
- * مستفعلتِنُ مفاعلتِنُ مفاعلتِنُ مفاعلتِنُ (* ۹. ۴)؛
- * مستفعلنُ فِعالَتِنُ مفاعِلنُ فِعالَتِنُ (* ۱۰. ۵)؛
- * مستفعلُ مستفعلنُ مفاعِلُ مستفعلنُ (* ۱۰. ۷)؛
- * مستفعلنُ مفاعیلُ مفاعِلنُ مفاعیلُ (* ۱۱. ۲)؛
- * مستفعلنُ مفتعلنُ مفاعِلنُ مفتعلنُ (* ۱۱. ۴).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تغییر تنها در رکن اول رخ می‌دهد، به‌طوری‌که اگر وزن از وزن‌های متناوب‌الارکان هم باشد، نباید رکن متناظر (رکن سوم) تغییر کند، مگر آن‌که با وزن‌های دوری مواجه شویم که با توجه به این‌که این تغییر خاص ابتدای هر واحد وزنی است، در آن صورت این تغییر اگر در ابتدای مصراع واقع شود، ناگزیر باید در ابتدای نیم‌مصراع دوم هم اعمال شود که این امر باعث دشواری تشخیص این ویژگی و یافتن جایگاه وزن در طبقه‌بندی وزن‌ها می‌شود و مواردی از آن‌ها در ادامه می‌آید. هم‌چنین، به‌خاطر داشته باشیم که وزن‌های معیار، که در بالا آورده شد، هر کدام به‌طور نظری یک خانواده‌ی وزنی مستقل را تشکیل می‌دهند که بنابه استقبال شاعران ممکن است یک یا چند وزن (دوری و غیردوری) از هر خانواده در واقعیت شعر کاربرد داشته باشد.

۶. دلایل نام‌گذاری قاعده‌ی سیمینه یا سیمینگی

پیش از ورود به بحث محوری این نوشته، باید دانست در میان شاعران پارسی‌گو از آغاز تا کنون هیچ شاعری به‌اندازه‌ی سیمین بهبهانی تنوع وزن را در اشعار خود به‌کار نبرده است. محمد فشارکی درباره‌ی نوآوری سیمین چنین می‌گوید:

یکی از نوآوران و مبدعان راستین در زمینه‌ی وزن شعر فارسی که با حفظ ارزش‌های موسیقایی عروض سستی و در چهارچوب تناسب کمی و کیفی هجاها، که جوهر اصلی وزن شعر فارسی است، دست به ایجاد اوزانی بسیار دل‌کش و درعین حال کاملاً نو و

بی نظیر یا کم نظیر کرده است، سیمین بهبهانی است. وی با آگاهی کامل از اوزان عروضی فارسی، از زمان‌های قدیم تا روزگار خود، اوزانی را ابداع کرده است که در عین رعایت کیفیت هجایی آن‌ها، کاملاً تازگی دارد و در طول هزار و دو سیست سال شعر فارسی نظیری از حیث وزن برای آن‌ها یافت نمی‌شود و زاده و پرداخته ذهن خلاق و موسیقایی خود اوست (فشارکی ۱۳۸۳: ۹۸).

بحث در اوزان به کاررفته در اشعار سیمین، به ویژه اوزان ابداعی او، به مجال دیگری نیاز دارد، اما نباید تصور کرد که سیمین علم عروض سنتی را با اغلب اصطلاحات پیچیده عروض، به ویژه زحافات، می‌دانسته است و این امر باعث گسترده‌گی کاربرد اوزان در دیوانش بوده است. هر چند او از انس خود با کتاب *المعجم فی معایر اشعار العجم* سخن گفته است (بنگرید به سیمین ۱۳۸۳: ۵۹۷-۵۹۸)، حتی اگر بر این باور باشیم که به مانند یک عروضی از تمامی اصطلاحات عروض سنتی آگاه بوده است، باز هم نمی‌توان بیان کرد که تسلط او به عروض به ابداع وزن‌های جدید در اشعارش رهنمون شده است، زیرا در میان اشعار او به اوزانی برمی‌خوریم که در عروض معرفی نشده و بی سابقه است، به طوری که علم عروض در زمان ارائه این اشعار (یعنی سی یا چهل سال قبل) حتی قادر به کشف ویژگی‌های برخی از این اوزان نبوده است. خوش بختانه سیمین در گفت‌وگویی که با صدرالدین الهی داشته است، در بخش اعظمی از گفت‌وگو در خصوص وزن اشعارش و نحوه یافتن وزن جدید سخن گفته است (همان: ۵۹۴-۶۰۰). او در این باره می‌گوید:

از سال پنجاه تا کنون که در حوزه اوزان تازه به تدریج و تناوب کار کرده‌ام هرگز به اوزان خلیل بن احمد و شمس قیس نیندیشیده‌ام. اگرچه آقای محمد فشارکی، استاد دانشگاه اصفهان، اکثر وزن‌های مرا با تلاشی چشم‌گیر مشتقات مستخرج از دوایر شمس قیس و خلیل بن احمد دانسته‌اند (البته پس از تعیین زحافات قبض و کف و قصر و حذف و خرب و سلخ و دیگر مصیبت‌ها) ... من پس از خواندن آن دانستم که روی این اوزان می‌توان قاعده و قانونی گذاشت که من از آن بی‌خبر بوده‌ام، همان‌طور که اگر بگوییم: "زیر آسمان خدا" می‌توانیم در برابر آن بگذاریم: فاعلات مفتعلن و بگوییم که این وزن مستخرج از فلان بحر است و فلان زحافات آن را به این صورت درآورده است (همان: ۵۹۸).

برای این که بدانیم تفاوت سیمین در به کارگیری اوزان شعری با دیگر شاعران فارسی‌گو از گذشته تا کنون چه میزان است، کافی است بدانیم که در میان شاعران پیشین مولانا جلال‌الدین، که به تنوع وزنی در میان شاعران گذشته مشهور است، کم‌تر از پنجاه وزن

را در دیوان شمس به خدمت گرفته است. هم‌چنین، در میان معاصران حسین منزوی، که از شاعران تنوع‌طلب در اوزان اشعار است و حتی وزن‌هایی را برای نخستین بار در ادبیات فارسی به کار برده است، تعداد اوزان به‌کاررفته در اشعارش کم‌تر از پنجاه وزن است. این در حالی است که تعداد وزن‌های به‌کاررفته در اشعار سیمین بیش از ۱۳۰ وزن است؛ یعنی بیش از دو برابر اوزان دیوان شمس و نیز اشعار حسین منزوی. به‌طوری‌که فهرست کردن این اشعار فقط از عهده متخصص عروض جدید برمی‌آید و تاکنون، به دلیل دشواری موضوع و تعداد اشعار و تنوع اوزان، کار دقیق و مستقلی در معرفی اوزان به‌کاررفته در اشعار سیمین انجام نگرفته است. لذا آمارهای مذکور در نوشته از جانب نگارنده سطور است که امید آن می‌رود در آینده نزدیک آمار عروضی اشعار سیمین به‌طور جداگانه منتشر شود.

از طرف دیگر، می‌دانیم که ابوالحسن نجفی، در مقام وزن‌شناس و عالم عروض، نزد سیمین به‌بهانی معتمد بود و از طریق نجفی از سابقه وزن‌های مورداستفاده خود مطلع می‌شد، به‌طوری‌که نجفی در کتاب طبقه‌بندی خود به نوآوری‌های سیمین در اوزان تصریح کرده است. شگفت این که در میان ۱۳۰ وزن به‌کاررفته در اشعار سیمین، هفت وزن در قاعده‌ای می‌گنجد که نجفی آن را یافته است و پنج وزن از این هفت وزن به نظر می‌رسد که ابداع سیمین باشد. هم‌چنین، چهل عنوان شعر بر این هفت وزن سروده است که عدد درخور اعتنایی است. نیز از این چهل عنوان شعر ۲۳ عنوان بر پنج وزن ابداعی سیمین است، در حالی که تعداد وزن‌ها با این قاعده، از ابتدای شعر فارسی تا زمان سیمین، به‌سختی به تعداد انگشتان یک دست می‌رسد که سیمین دو وزن از آن‌ها را به کار گرفته است؛ یعنی این که سیمین به‌تنهایی بیش از تمامی شاعران پارسی‌گو در طول تاریخ به این نوع وزن اهتمام ورزیده و از طریق شم شعری خود متوجه این قابلیت و ظرفیت شده و از آن بهره برده است و به‌تنهایی وزن‌هایی را با این قاعده به فهرست وزن‌های شعر فارسی افزوده است. به‌زعم نگارنده، این تعداد از وزن‌ها (هفت وزن) و تعداد درخور اعتنای اشعار (چهل عنوان شعر) در کشف این ویژگی از سوی نجفی تأثیرگذار بوده است.

بنابراین، هرچند تعداد معدودی از چنین اوزانی در سابقه شعر فارسی وجود داشته و سیمین مبدع این نوع وزن نبوده است، سیمین در به‌کارگیری و توسعه این نوع اوزان کاملاً متمایز از شاعران دیگر است. برای مثال حسین منزوی، با وجود علاقه به استفاده از وزن‌های جدید، حتی یک مورد از این نوع اوزان را در دیوانش به کار نبرده است. به همین دلیل، نگارنده برای این قاعده نام «سیمینه»، سیمینگی، و سیمینه‌شدن را پیش‌نهاد می‌کند.

دلیل دوم برای انتخاب این نام‌گذاری این است که تقطیع واژه «سیمینه» (- - U) دقیقاً ترتیب هجایی موردنظر را بیان می‌کند. هم‌چنین، در جدول طبقه‌بندی نقطه شروع این خانواده‌های وزنی با یک ستاره بالای هجای کوتاه مشخص شده است و عبارت «ستاره سیمینه» دقیقاً نشان‌دهنده تغییر تقطیع ستاره (U - U) به سیمینه (- - U) است. هم‌چنین، برای سهولت در یادسپاری این نکته، در کنار «ستاره سیمینه»، عبارت «سیمینه‌شدن سروده» بسیار مناسب می‌نماید.

بنابراین، شایسته آن است که این قاعده به نام این شاعر بی‌نظیر و چیره‌دست در به‌کارگیری وزن‌های شعر فارسی با عنوان «قاعده سیمینه (سیمینگی)» پذیرفته و به‌کار گرفته شود و در طبقه‌بندی نیز، به جای «تفرع وزنی»، با عنوان سیمینه خانواده وزنی مرتبط در کنار آن به‌منزله خانواده وزنی مستقل قرار گیرد و با یک ستاره در ابتدای وزن معیار آن مشخص شود. برای مثال:

- خانواده مفاعلن (۵. ۱): مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن؛

- سیمینه خانواده مفاعلن (۵. ۱)*: مستفعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن.

در بخشی از مقاله «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی»، جدول فرمول خانواده‌های وزنی براساس قاعده سیمینه (البته با تعبیر تفرع وزنی) آورده شده است که در این جا این جدول با ذکر اصطلاح سیمینگی مجدداً در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. یادآوری می‌شود که در این جدول (جدول ۳)، نشانه «آلفا» (A') نشانه رکن جای‌گزین «الف» (A) براساس قاعده سیمینه است. هم‌چنین، الف (a) و «ب» (b) بیان‌گر رکن ناقص در پایان واحد وزنی است:

جدول ۳. فرمول خانواده‌های وزنی براساس قاعده سیمینه

$*A'AAA$	$*\underline{\underline{آلفا}}\text{ الف الف الف}$	سیمینه وزن‌های معیار از متفق‌الارکان:
$*A'BAB$	$*\underline{\underline{آلفا}}\text{ ب الف ب}$	سیمینه وزن‌های معیار از متناوب‌الارکان:
1. $*A'Aa\backslash A'Aa$ 2. $*A'a\backslash A'a$	۱. $*\underline{\underline{آلفا}}\text{ الف الف} // \underline{\underline{آلفا}}\text{ الف الف}$ ۲. $*\underline{\underline{آلفا}}\text{ الف} // \underline{\underline{آلفا}}\text{ الف}$	سیمینه وزن‌های دوری متفق‌الارکان:
1. $*A'Ba\backslash A'Ba$ 2. $*A'b\backslash A'b$	۱. $*\underline{\underline{آلفا}}\text{ ب الف} // \underline{\underline{آلفا}}\text{ ب الف}$ ۲. $*\underline{\underline{آلفا}}\text{ ب} // \underline{\underline{آلفا}}\text{ ب}$	سیمینه وزن‌های دوری متناوب‌الارکان:

۷. سیمینه‌های سیمین: وزن‌های به‌کاررفته در اشعار سیمین براساس قاعدهٔ

سیمینه

همان‌طور که پیش‌ازین آورده شد، سیمین بهبهانی هفت وزن از این نوع اوزان را به‌کار برده و چهل عنوان شعر را بر آن‌ها سروده است که از این میان، پنج وزن ابداع خود اوست. در این جا قصد داریم وزن‌هایی را که سیمین بهبهانی براساس این قاعده به‌کار گرفته است، با ذکر نمونه یادآوری کنیم و جای هریک را در طبقه‌بندی وزن‌ها نشان دهیم:

وزن اول، * ۵. ۱. ۹ (۲). مستفعِلن مفاعِلن فع // مستفعِلن مفاعِلن فع:

این وزن سیمینهٔ وزن «مفاعِلن مفاعِلن فع // مفاعِلن مفاعِلن فع» از خانوادهٔ مفاعِلن (۵. ۱) است که به‌دلیل دوری‌بودن وزن، سیمینگی در ابتدای هر نیم‌مصراع خود را نشان داده است و به‌نظر می‌رسد که از ابداعات سیمین نیز باشد. در این جا یک نمونه از سروده‌های شاعر بر این وزن را می‌آوریم:

باور نمی‌کنید اما، در مَشْت‌ها ستاره دارم

طرحی ز نور می‌تراود، انگشت‌ها چو می‌فشارم

* مستفعِلن مفاعِلن فع // مستفعِلن مفاعِلن فع

(بهبهانی ۱۳۹۵: ۹۵۴)^۶

همان‌طور که گفته شد، این وزن سیمینهٔ وزن مفاعِلن مفاعِلن فع // مفاعِلن مفاعِلن فع (۵. ۱. ۹ (۲)) است. شگفت این‌که وزن «مفاعِلن مفاعِلن فع // مفاعِلن مفاعِلن فع» نیز، بنا بر نظر نجفی، از ابداعات سیمین است (بنگرید به نجفی ۱۳۹۷: ۱۶۶) و در مجموعهٔ اشعارش سه شعر بر این وزن دارد:

رها مکن که پرزدن را، کبوترم نمی‌شناسد

شکسته بال و پر حریمی، جز این حرم نمی‌شناسد

(بهبهانی ۱۳۹۵: ۷۰۴)^۷

وزن دوم، * ۸. ۱. ۹ (۲). مستفعِلاتِن مفاعِلن // مستفعِلاتِن مفاعِلن:

این وزن سیمینهٔ وزن «مفاعِلاتِن مفاعِلن // مفاعِلاتِن مفاعِلن» از خانوادهٔ مفاعِلاتِن (۸. ۱) است که به‌دلیل دوری‌بودن وزن، سیمینگی در ابتدای هر نیم‌مصراع خود را نشان

سوغات سیمین بهبھانی به عروض فارسی: ... (علی اصغر قهرمانی مقبل) ۲۸۷

داده است. به نظر می‌رسد که این وزن نیز از ابداعات سیمین باشد. در این جا یک نمونه از سروده‌های شاعر بر این وزن را می‌آوریم:

حالی ست حال نگفتنی، امروز سیمین دیگرم
گویی که خورشید پیش‌ازین هرگز نتابیده بر سرم

* مستفعلاتن مفاعلهن // مستفعلاتن مفاعلهن

(همان: ۹۲۱)^۸

وزن مفاعلاتن مفاعلهن // مفاعلاتن مفاعلهن (۸. ۱. ۹. ۲) نیز هشت بار مورد استفاده سیمین قرار گرفته و مشهورترین آن‌ها این شعر است:

دوباره می‌سازمت وطن، دوباره با خشت جان خویش
ستون به سقف تو می‌زنم اگرچه با استخوان خویش

(همان: ۷۱۱)^۹

وزن سوم، * ۹. ۴. ۱۰. ۲). مستفعلتن مفاعلتن // مستفعلتن مفاعلتن:

این وزن سیمینه «مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن» از خانواده مفاعلتن (۹. ۴) است که به دلیل دوری بودن وزن، سیمینگی در ابتدای هر نیم‌مصراع خود را نشان داده است. قطعاً این وزن نیز از ابداعات سیمین است.

از تکرار مفاعلتن در عروض عربی بحر وافر (مفاعلتن مفاعلتن فعولن) به دست می‌آید و عروض دانان فارسی این بحر را مخصوص عروض عربی دانسته‌اند، به طوری که در عروض فارسی نه وافر و نه حتی رکن مفاعلتن به رسمیت شناخته نشده است (شمس قیس ۱۳۶۰: ۴۵؛ خواجه نصیر ۱۳۹۳: ۶۳). از سوی دیگر، از تکرار مفاعلتن در شعر فارسی قدیم و جدید نمونه بارزی وجود ندارد و تنها یک غزل ملمع در دیوان شمس آمده است که مصراع‌های نخست آن عربی و مصراع‌های دوم فارسی است و مولانا، به دلیل انتخاب وزن وافر برای مصراع‌های عربی (مفاعلتن شانزده هجایی)، مصراع‌های فارسی را نیز به این وزن سروده است (مولوی ۱۳۵۵: غزل ۲۲۶۷). سیمین نیز در مجموعه اشعار خود هیچ شعری بر تکرار مفاعلتن (چهار بار در مصراع) نساخته است، اما توانسته است با ذهن خلاق خود به چنین ابتکاری دست بزند و سیمینه این وزن را بیافریند و البته تنها یک نمونه در میان اشعار او بر این وزن یافت می‌شود:

من جرم زمین شکافته‌ام، زان سوی سپهر سر زده‌ام
مرغی شده‌ام عظیم و عجب، بر اوج کبود پر زده‌ام

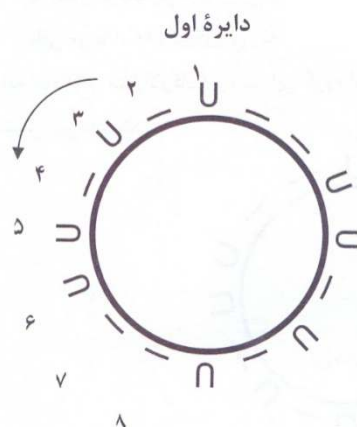
* مستفعلتن مفاعلتن // مستفعلتن مفاعلتن

(بهبهانی ۱۳۹۵: ۹۴۵)

جای شگفتی است که نجفی این وزن را یک بار در ضمن خانواده مفاعلتن آورده است (نجفی ۱۳۹۷: ۲۵۱)، یک بار هم آن را در خانواده مستفعل فاعلات آورده، به صورت «مستفعل فاعلات فعل // مستفعل فاعلات فعل» تقطیع کرده، و آن را وزن فرعی و نامطبوع به‌شمار آورده است (همان: ۴۰۳). با توجه به این که تاریخ سرایش این شعر سال ۱۳۶۲ است و قاعده سیمینه آخرین یافته نجفی در اواخر عمر اوست، به نظر می‌رسد که نجفی فرصت بازنگری دقیق نیافته است تا این شعر را از خانواده «مستفعل فاعلات» حذف کند. خوش‌بختانه نجفی در بخش ضمایم کتاب، با اطمینان کامل سیمینگی این وزن را مشخص و جای این وزن را به درستی معلوم کرده است (همان: ۴۳۲). غلامرضا پناهی، دیگر عالم عروضی‌ای است که توانسته است تقطیع درستی از این شعر را ارائه دهد. البته بدون آن که توجهی به جایگاه آن در طبقه‌بندی داشته باشد (پناهی ۱۳۹۹: ۱۸۵).

وزن‌های چهارم و پنجم و ششم، * ۱۰. ۵. سیمینه‌های خانواده مفاعلتن:

خانواده مفاعلتن نخستین خانواده از دایره نجفی برخلاف حرکت عقربه‌های ساعت است و از خانواده‌های پرکاربرد در شعر فارسی به‌شمار می‌آید:



سوغات سیمین بهبهانی به عروض فارسی: ... (علی اصغر قهرمانی مقبل) ۲۸۹

سیمین سه وزن سیمینه از این خانواده را به کار برده است که یکی از آن‌ها ابداع خود اوست.

همان‌طور که پیش از این آورده شد، وزن «مستفعلن فعِلن // مستفعلن فعِلن» نخستین بار با شعری از امیر معزی وارد شعر فارسی شده است:

ای زلف دل‌بر من پرچین و پرشکنی گاهی چو وعده او گاهی چو پشت منی

امیر معزی، به تصریح خودش، این شعر را به پیروی از شاعر مشهور عرب، یعنی متنبی (د ۳۵۴) سروده و مصراعی را از متنبی تضمین کرده و حتی تقطیع عروضی آن را به صورت زیر آورده است:

گفتم ستایش تو بر وزن شعر عرب تقطیع آن به عروض الا چنین نکنی

(معزی ۱۳۱۸: ۷۲۸-۷۳۰)

مستفعلن فعِلن مستفعلن فعِلن

أبلی الهوی أسفاً یومالتوی بدئی

(متنبی ۱۹۸۶: ج ۱، ۴۹)

به دلیل این که قصیده متنبی بنابر قواعد عروض عربی، بر وزن بسیط مخبون العروض والضرب سروده شده، عروض فارسی سستی به پیروی از عروض عربی آن را بسیط نام گذاری کرده است، غافل از این که عروض دانان پیشین فارسی بحرهای مستخرج از دایره اول، یعنی طویل، مدید، و بسیط، را خاص شعر عربی دانسته و در عروض فارسی بحور و اوزان این دایره را کنار گذاشته‌اند.

به خاطر دارم که بین استاد ابوالحسن نجفی و نگارنده این سطور در اواخر دهه ۱۳۸۰ بارها گفت‌وگوی تلفنی در خصوص این وزن صورت گرفت و نجفی می‌خواست با کمک گرفتن از عروض عربی راه‌حلی برای یافتن جایگاه وزن مذکور در دستگاه طبقه‌بندی خود بیابد. باید اعتراف کنم که در آن زمان، به دلیل اطلاع نداشتن از جزئیات طبقه‌بندی اوزان در نزد نجفی، نمی‌توانستم به درستی دغدغه وی را دریابم و آن این که چه طور این وزن که در مطبوع و دل‌نشین بودن آن کسی تردیدی به خود راه نمی‌دهد، در میان اوزان مطبوع نجفی (نه متفوق الارکان و نه متناوب الارکان براساس دایره نجفی) جا نگرفته و ذهن جست‌وجوگر او تا آن زمان پاسخی برای این مشکل نیافته بود.

از سوی دیگر، نجفی شعری از ملک‌الشعراى بهار بر وزن «مستفعلن فعلاتن // مستفعلن فعلاتن» یافته بود که بی‌تردید از همان خانواده محسوب می‌شد و مانند وزن قبلی خوش نشسته بود، اما این وزن نیز در دستگاه طبقه‌بندی نجفی نمی‌گنجد:

بر تختگاه تجرد سلطان نامورم من با سیرتی ملکوتی در صورت بشرم من

(بهار ۱۳۹۶: ۵۸)

سیمین به این وزن، بیش از وزن قبلی، علاقه نشان داده و بارها آن را به‌کار برده است. تصور می‌کنم که این دو وزن در یافتن قاعده سیمینه توسط نجفی بسیار مؤثر بوده است، به‌ویژه این که سیمین، علاوه بر دو وزن فوق، وزنی دیگر را از همین خانواده ابداع کرده و سیزده شعر را بر آن سروده است. جالب این که سیمین، علاوه بر اقبال ویژه به این سه وزن سیمینه، اشعار بسیاری را بر اصل این سه وزن نیز سروده است. در این جا برای هر کدام (اصل و سیمینه) مثالی آورده می‌شود:

وزن چهارم،* ۱۰. ۵. ۹ (۲). مستفعلن فعلاتن فع // مستفعلن فعلاتن فع:

این وزن سیمینه وزن «مفاعلهن فعلاتن فع // مفاعلهن فعلاتن فع» است و به دلیل دوری بودن وزن، سیمینگی در ابتدای هر نیم‌مصراع خود را نشان داده است. به نظر می‌رسد این وزن از ابداعات سیمین باشد. او سیزده شعر را بر آن سروده است:

خطی ز سرعت و از آتش، در آبگینه سرا بشکن

بانگ بنفش یکی تندر، در خواب آبی ی ما بشکن

* مستفعلن فعلاتن فع // مستفعلن فعلاتن فع

(بهبهانی ۱۳۹۵: ۶۳۱) ۱۰

اصل این وزن و جایگاه آن در طبقه‌بندی وزن‌ها به این شرح است:

۱۰. ۵. ۹ (۲): مفاعلهن فعلاتن فع // مفاعلهن فعلاتن فع

کجاست آن که به آگاهی، برون ز من نگرد "من" را

نگاره سازد و تن‌دیسی، فرا وجود و فراتن را

(همان: ۷۶۵)

وزن پنجم،* ۱۰. ۵. ۸ (۲). مستفعلن فعلاتن // مستفعلن فعلاتن:

این وزن سیمینۀ وزن «مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن» است. اصل این وزن هرچند متناوب است، دوری به شمار نمی آید، ولی سیمینۀ آن به صورت دوری به کار رفته و به دلیل دوری بودن وزن، سیمینگی در ابتدای هر نیم مصراع خود را نشان داده است. همان طور که آورده شد، پیش از سیمین ملک الشعراى بهار شعری را بر این وزن سروده است. سیمین به این وزن اقبال ویژه ای نشان داده و شانزده شعر را بر آن سروده است:

سر در نشیب حسیضم، شاهین اوج خیالم سربى دویده به قلبم، سرخی چکیده ز بالم

* مستفعلن فعلاتن // مستفعلن فعلاتن

(همان: ۵۵۴) ۱۱

اصل این وزن و جایگاه آن در طبقه بندی وزن ها به صورت ذیل است:

۱۰. ۵. ۱۶. مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن:

دلم فتاده به دام و ره فرار ندارد ره فرار نه و طاقت قرار ندارد

(همان: ۱۵۰)

وزن ششم،* ۱۰. ۵. ۷ (۲). مستفعلن فعلِن // مستفعلن فعلِن:

این وزن سیمینۀ وزن «مفاعِلن فعلِن // مفاعِلن فعلِن» است که، به دلیل دوری بودن، سیمینگی در ابتدای هر نیم مصراع ظاهر شده است. این وزن دل نشین ترین وزنی است که در طبقه بندی وزن ها در ضمن وزن های سیمینۀ می گنجد و در شعر قدیم فارسی آمده است، به طوری که سعدی و مولوی نیز به پیروی از امیر معزی هرکدام غزلی را بر این وزن سروده اند. سیمین، برخلاف اقبالی که به دو وزن سیمینۀ از همین خانواده نشان داده است، تنها یک شعر بر این وزن دارد:

در قابِ سرخ غروب، قامت کشیده و راست کولی به سان بُتی، از آبَنوس و طلاست

* مستفعلن فعلِن // مستفعلن فعلِن

(همان: ۶۶۸)

اصل این وزن و جایگاه آن در طبقه‌بندی وزن‌ها به صورت ذیل است:

۱۰. ۵. ۷. (۲). مفاعِلن // مفاعِلن فِعِلن:

سیمین بهبهانی (۱۳۹۵: ۱۰۲۲) یک شعر، با عنوان «عروسیِ فیگارو»، بر این وزن سروده است.

وزن هفتم*، ۱۱. ۴. ۸. (۲). مستفعلن مفتعلن // مستفعلن مفتعلن:

این وزن، که از ابداعات سیمین است، سیمینه وزن «مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن مفتعلن» از خانواده «مفاعِلن مفتعلن» (۱۱. ۴) است که در ضمن وزن‌های متناوب‌الارکان به‌شمار می‌آید، اما با سیمینه‌شدن هر نیم‌مصراع، وزن دوری شده است. بنابراین، سیمینگی در ابتدای هر نیم‌مصراع دیده می‌شود.

یک متر و هفتاد صدم، افراشت قامتِ سخنم یک متر و هفتاد صدم، از شعر این خانه منم

* مستفعلن مفتعلن // مستفعلن مفتعلن

(همان: ۱۰۵۹)

اصل این وزن و جایگاه آن در طبقه‌بندی وزن‌ها به شرح ذیل است:

۱۱. ۴. ۱۶. مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن مفتعلن:

وزن فوق از معکوس دایره نجفی استخراج می‌شود (مفاعِلن مفتعلن: ۱۱. ۴) و سیمین تنها یک شعر بر این وزن سروده است (همان: ۹۷۱)، بر سیمینه آن نیز تنها همان یک شعر که آوردیم، در دیوان او یافت می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

همان‌طور که در متن مقاله آورده شد، ابوالحسن نجفی در پایان عمر خود، با یافتن قاعده‌ای که آن را «تفرع وزنی» نامید، توانست تعدادی از وزن‌های فارسی را، که در ضمن تکرار رکن یا تناوب دو رکن نمی‌گنجیدند، در دستگاه طبقه‌بندی وزن‌های خود بگنجانند. این وزن‌ها عبارت بودند از این‌که در تمامی وزن‌های متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان، که رکن اول آن‌ها با ترتیب هجایی «س - س» آغاز می‌شود، می‌تواند به «- -» تبدیل شود و این

ویژگی وزنی با هویت جدید و مستقل را پدید می‌آورد. ما به جای «تفرع وزنی» به دلایل زیر اصطلاح «قاعده سیمینه» یا سیمینگی را پیش نهاد دادیم:

- نخست این که هر چند این نوع وزن از ابداعات سیمین بهبهانی نیست، اما هیچ شاعری در طول تاریخ شعر فارسی به اندازه سیمین از این ظرفیت در شعر فارسی بهره نگرفته است، به طوری که او هفت وزن از این نوع اوزان را در اشعار خود به کار برده و چهل عنوان شعر را بر آن‌ها سروده است که از این میان پنج وزن ابداع خود اوست. این در حالی است که پیش از سیمین تعداد این نوع از اوزان در نزد تمامی شاعران در طول تاریخ شعر فارسی به تعداد انگشتان یک دست نمی‌رسد. در این نوشته، تمامی این وزن‌ها به هم راه شاهد مثال معرفی شده است.
- دلیل دوم این که «سیمینه» با هجای بلند شروع می‌شود و تقطیع هجایی «سیمینه» (-) - (u) یادآور ترتیب هجایی مورد نظر است.
- دلیل سوم این که به نظر می‌رسد تأمل در اوزان این نوع از اشعار سیمین در کشف این قاعده از سوی نجفی بی‌تأثیر نبوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در مقاله مستقلی با عنوان «رکن‌های پنج‌هجایی در عروض عربی و فارسی و کارکرد آن‌ها در عروض فارسی» آورده شده است که رکن‌های پنج‌هجایی، که تعداد هجای بلند آن‌ها بیش از هجای کوتاه باشد، هر رکن به تنهایی می‌تواند یک پاره مستقل از پاره‌های وزن دوری باشد (بنگرید به قهرمانی مقبل ۱۳۹۹: ۵۸). بنابراین، مفتعلاتن به تنهایی می‌تواند پاره‌ای از یک وزن دوری باشد و نباید آن را به صورت «مفتعلن فع» آورد.
۲. پرواضح است که عروض سنتی، به پیروی از عروض عربی، آوردن هجای کشیده را مستقل از هجای بلند می‌داند و بنابراین صورت‌های متعددی از این دو وزن را براساس عروض و ضرب ذکر می‌کند که ما از آن‌ها چشم‌پوشی کردیم.
۳. بنگرید به قهرمانی، مقبل (۱۳۹۷)، «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی و شیوه نام‌گذاری وزن‌ها»، نامه فرهنگستان، ش ۶۵، ۳۴-۵. یادآوری می‌شود که در هنگام طراحی جدول و تعیین جایگاه خانواده‌های سیمینگی، فقط هشت خانواده تعیین شده بود و نگارنده متوجه سیمینه خانواده ۹. ۴. نشده بود.

۴. در وزن‌های متفق‌الارکان، به‌شکل نظری، رکن‌های اصلی که می‌توانند مصداق «الف» (A) باشند عبارت‌اند از: فعول، مفاعِلن، مفاعلاتن، مفاعلات، مفاعلتن. بنابراین مصداق «آلفا» (A') رکن‌های زیر است: مفعول، مستفعلن، مستفعلاتن، مستفعلات، مستفعلتن.

۵. در وزن‌های متناوب‌الارکان، تنها رکن‌های اصلی که می‌توانند مصداق «الف» (A) باشند، عبارت‌اند از مفاعِلن، مفاعِل. بنابراین مصداق «آلفا» (A') رکن‌های زیر است: مستفعلن، مستفعل. این فرمول در چهار خانوادهٔ وزنی متناوب‌الارکان مستخرج از جدول قابل‌اعمال است: مفاعِلن فعلاتن (۱۰.۵)، مفاعِل مستفعلن (۷.۱۰)، مفاعِلن مفاعیل (۲.۱۱)، مفاعِلن مفتعلن (۴.۱۱).

۶. اشعار دیگری که در این وزن سروده شده است: از دفتر اول: «اوی من»، ص ۸۵۹ از دفتر دوم: «چون شد ای شهر» (در کام کودکان بسلان)، ص ۳۸؛ «آن اسب بی‌سوار»، (گفتم نرو بمان همین‌جا)، ص ۶۸؛ «سرگشاده» (در این درازنای ظلمت)، ص ۱۳۷؛ «این‌گونه رد خون‌بها کن» (گر پاسدار و گر بسیجی)، ص ۱۴۹.

۷. اشعار دیگری که در این وزن سروده شده است: از دفتر اول: «عروس مینایی»، ص ۸۶۶ از دفتر دوم: «مراد من درود، تعظیم»، ص ۱۲۲.

۸. شعر دیگری که در این وزن سروده شده است: از دفتر دوم: «زیر قدم‌های خشک‌تان»، ص ۱۲۴.

۹. اشعار دیگری که در این وزن سروده شده است: از دفتر اول: «هزار پروانهٔ طلا»، ص ۸۵۵؛ «میان جالیز می‌دوم»، ص ۸۸۶؛ «چه پای سختی فشرده‌ام»، ص ۱۰۹۵. از دفتر دوم: «عذاب این سایه‌روشن»، ص ۴۳؛ «چه شد که خورشید تیره شد»، ص ۱۲۶؛ «خورشید خانم»، ص ۱۳۳؛ «شکستِ آزارپیشگان»، ص ۱۶۱.

۱۰. شعرهای دیگر از دفتر اول: «من با صدای تو می‌خوانم»، ص ۷۹۸؛ «با تخته‌پاره و تنهایی»، ص ۸۷۵؛ «وقتی که پنجهٔ تاریکی»، ص ۹۴۷؛ «سنگواره»، ص ۹۶۲؛ «باجی»، ص ۱۰۲۸؛ «از عشق و سوسه می‌سازی»، ص ۱۱۱۸. از دفتر دوم: «آهوی پرده نگاهم کرد»، ص ۷۴؛ «رغبت به آب‌تنی دارم»، ص ۹۶؛ «مجسمه (آقا مجسمه می‌سازی)»، ص ۱۳۰؛ «خواهی نباشم و خواهم بود»، ص ۱۸۴؛ «تکرار تاریخ (مادر گشود به گفتن لب)»، ص ۲۱۲؛ «(روز ملاقات) امروز روز ملاقات است»، ص ۲۱۶.

۱۱. اشعار دیگری بر همین وزن: از دفتر اول: «در من نشسته به‌نرمی»، ص ۵۶۹؛ «مرگت زوال شتاب است»، ص ۶۰۷؛ «کولی‌واره (۱۳)»، ص ۶۶۲؛ «پاییز خستهٔ غمگین»، ص ۹۰۲؛ «نان و پنیر و صداقت»، ص ۱۰۵۲؛ «صبحی بگو بدرخشید»، ص ۱۰۵۵؛ «با شصت خوشهٔ زرین»، ص ۱۰۶۱؛ «جامه‌دران»، ص ۱۱۳۰؛ «وقتی زمانه جوان است»، ص ۱۱۳۲؛ «گو آفتاب برآید»، ص ۱۱۳۶. از دفتر دوم: «هشتادسالگی و عشق»، ص ۸۶؛ «بگذار ساده بگویم»، ص ۹۴؛ «آدم شدی نشدی نع»، ص ۱۰۲؛ «قلبم شکست و قلم نیز»، ص ۱۸۸؛ «اخبار تازه چه داری امروز نوبت شیر است»، ص ۲۴۳.

کتابنامه

- الهی، صدرالدین (۱۳۸۳)، «ابداع اوزان تازه در شعر فارسی: گفت‌وگوی صدرالدین ال‌هی با سیمین بهبهانی»، *زنی با دامنی از شعر: جشن‌نامه سیمین بهبهانی*، به‌کوشش علی دهباشی، تهران: نگاه.
- بهار، محمدتقی (۱۳۹۶)، *دیوان اشعار ملک‌الشعراى بهار*، تهران: نگاه.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۹۴)، *مجموعه اشعار سیمین بهبهانی*، دفتر دوم، تهران: نگاه.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۹۵)، *مجموعه اشعار سیمین بهبهانی*، دفتر اول، تهران: نگاه.
- پناهی، غلامرضا (۱۳۹۹)، *آشنایی با اوزان عروضی*، تهران: پیام.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۹۳)، *معیار الاشعار*، مقدمه، تصحیح، و تعلیقات علی اصغر قهرمانی مقبل، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شمس قیس، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۰)، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی و مجدد مدرس رضوی، تهران: کتاب‌فروشی زوار.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۴)، «عروض جدید، عروض قدیم، عروض عربی»، *وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز*، به‌کوشش امید طیب‌زاده، تهران: هرمس.
- فرزاد، مسعود (۱۳۴۹)، «مجموعه اوزان شعری فارسی»، *مجله خرد و کوشش*، دوره ۲، دفتر ۴.
- فشارکی، محمد (۱۳۸۳)، «از خلیل تا سیمین»، *زنی با دامنی از شعر: جشن‌نامه سیمین بهبهانی*، به‌کوشش علی دهباشی، تهران: نگاه.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۸۹)، *ارکان عروضی: بررسی یک مشکل تاریخی در علم عروض فارسی*، تهران: نیلوفر.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۷)، «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی و شیوه نام‌گذاری وزن‌ها»، *نامه فرهنگستان*، ش ۶۵.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۹)، «رکن‌های پنج‌هجایی در عروض عربی و فارسی و کارکرد آن‌ها در عروض فارسی»، *مجله زبان فارسی و گویش‌های ایرانی (دانشگاه گیلان)*، دوره ۱، س ۵.
- المتنبی، احمد بن حسین (۱۹۸۶)، *دیوان المتنبی*، شرحه و کتب هوامشه مصطفی سبیتی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- معزی، ابو عبدالله (۱۳۱۸)، *دیوان امیر معزی*، به‌سعی و اهتمام عباس اقبال، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۵۵)، *کلیات دیوان شمس*، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۴)، *درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی*، تهران: نیلوفر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۷)، *طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی*، به‌کوشش امید طیب‌زاده، تهران: نیلوفر.

